

جوانان ما باید بیش‌تر از گذشته بکوشند و مبارزه کنند و این تحول و تکامل نفسی را هرچه سریع‌تر در روح و قلب خود ایجاد نمایند تا باعث تسریع در ظهور حضرت شوند؛ اما در عین حال، باید دانست که امام، حاضر است و بر اعمالمان نظارت دارد، امام پیروان خود را رها نکرده و به دست هواها نسپرده، مراقب آنهاست، اگر به آن‌ها ناراحتی برسد قلب مبارکش به درد می‌آید، اگر خون‌ریزی ناحقی در جایی صورت بگیرد، حضرت ناراحت می‌شود.

به‌راستی آیا آن‌گونه که حضرت در مقابل مشکلات و گرفتاری‌های ما دردمند می‌شود ما هم در برابر کینه‌توزی‌ها و کم‌لطفی‌هایی که در حق آن حضرت می‌شود عکس‌العمل نشان می‌دهیم؟ اگر مومنان حمیت در دین نداشته باشند و نسبت به مقدساتشان حساسیت نشان ندهند، رفته‌رفته دین از میان می‌رود. لذا امر به معروف و نهی از منکر بر همه کس واجب و لازم است و با کوتاهی در آن انواع فسق و فجور ظاهر می‌گردد. اگر جوانان ما به خود بقبولانند که امام زمان علیه‌السلام در میان آن‌ها زندگی می‌کند و شاهد اعمالشان است، رفتار و زندگی و درک و حیات آن‌ها یقیناً تغییر کیفی می‌یابد. اگر آن‌ها امام زمان علیه‌السلام را اسطوره‌ای در تاریخ به حساب آورند، اشتباه بزرگی کرده‌اند؛ چرا که امام زمان حضور دارد و هر عملی که ما انجام می‌دهیم می‌بیند و می‌شنود. روزی که ما به این اعتقاد برسیم و آن را لمس کنیم، بزرگ‌ترین جهش‌ها را در راه تکامل زندگی‌مان برداشته‌ایم و این قدم اصلی برای تسریع در ظهور حضرت است. لذا باید هرچه سریع‌تر در خود تحول ایجاد کنیم و خود آماده سازیم و به آن درجه از رشد عقلی و ایمانی و اخلاقی برسیم که توان تحمل آن وجود مبارک را داشته باشیم و بدانیم اگر به آن درجه از آگاهی برسیم، به‌طور قطع حضرت، ظهور خواهد فرمود.

پی‌نوشت‌ها:

۱. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۲
۲. غیبت نعمانی، ص ۲۰۰
۳. التحقیق فی کلمات القرآن، ج ۱۲، ص ۱۶۶
۴. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۲
۵. همان
۶. رسالت تشیع در دنیای امروز، صص ۲۵، ۳۵
۷. سیاست اسلام، ص ۴۹
۸. در انتظار ققنوس، ص ۳۰۴



حتماً شما هم شنیده‌اید: «در آخرالزمان، گلیم خانه خود باشید؛ یعنی در خانه بمانید و در اجتماع حضور نداشته باشید»؛ «در آخرالزمان جباران و کافران بر مردم مسلط می‌شوند و زمین از فساد لبریز می‌شود»؛ «ازدواج نکردن در آخرالزمان حلال می‌شود؛ چون اگر فرد ازدواج کند، فرزندش دشمن دین می‌شود و عواقب آن برای پدر نیز باقی می‌ماند»...

روایاتی از این دست بسیار است و گاه مردم در محاورات خود به آن‌ها اشاره می‌کنند؛ حالا چند پرسش مطرح می‌کنیم؛ شاید با تأمل در آن‌ها شما بیش‌تر به نتیجه مورد نظر برسید:

۱. اگر ما بخواهیم قطعه زمینی را بخریم، ابتدا سند آن را بررسی می‌کنیم؛ چون می‌دانیم برای آن باید هزینه سنگینی بپردازیم. هزینه‌ای که با قناعت و کار فراوان، آن را به دست بدهیم، چیز زیادی از دست نداده‌ایم؛ زیرا خواهناخواه این زمین پس از نهایت ۷۰ سال با فرا رسیدن مرگ ما از دست ما خارج خواهد شد. اما عمل به یک روایت گاه به صلاح و فلاح ابدی انسان ختم می‌شود و موقعیت او را در سرای باقی رقم می‌زند؛ پس باید نسبت به سند روایت توجه بیش‌تری نشان داد و وضعیت افرادی که روایت از آن‌ها نقل شده، بررسی کرد. با این همه، آیا سند همه روایات فوق صحیح است؟ اگر اندک خدشه‌ای در سند روایات مذکور یافتیم، می‌توانیم به آن عمل کنیم؟

۲. منظور از آخرالزمان در این روایات چیست؟ آیا منظور عصر غیبت کبراست؟ آیا منظور صدسال باقیمانده تا ظهور است؟ آیا منظور دوره‌ای از تاریخ است که در آن گناه زیاد می‌شود؟ در صورتی که ندانیم در آخرالزمان زندگی می‌کنیم یا نه، چه باید بکنیم؟

۳. مضمون این روایات با بسیاری از اخبار دیگر که مردم را از عزلت و گوشه‌گیری بر حذر می‌دارد و به حضور در اجتماع سفارش می‌کند، منافات دارد؛ طبق بسیاری از اخبار، مومن فردی است که در جامعه حضور دارد و با دیگران به تعامل می‌پردازد. نماز جمعه، صله رحم، عیادت از بیمار، مضافه بامومنان، نماز جماعت و انفاق و ... از جمله سفارش‌های اسلامی است که جنبه اجتماعی دارد. با وجود این، آیا بازهم می‌توان مردم را به عزلت و گوشه‌گیری دعوت کرد؟

۴. روایات و آیات مربوط به امر به معروف و نهی از منکر دقیقاً با این‌گونه روایات منافات دارد؛ چه این که آیات و روایات مربوط به امر به معروف و نهی از منکر، همگان را به حضور در اجتماع و مبارزه با فساد و منکرات و زمینه‌سازی برای اصلاح و ظهور معروفات سفارش می‌کند. از آن‌جا که امر به معروف و نهی از منکر واجب است نه مستحب و وجوب آن نیز از طرق عقلی و نقلی اثبات شده و از ضروریات دین است، آیا بازهم می‌توان به روایات گوشه‌گیری در آخرالزمان عمل کرد؟ و مگر نه این که طبق روایات، امر به معروف و نهی از منکر باعث بقای دین است؟ اگر در دوره‌های قبل به روایات گوشه‌گیری عمل می‌شد، آیا امروز از دین چیزی باقی می‌ماند؟ مگر نه اینکه ترک امر به معروف و نهی از منکر، طبق روایات، باعث نزول بلا می‌شود؟

۵. گوشه‌گیری مومنان در آخرالزمان باعث تسلط کافران بر آن‌ها خواهد شد؛ و این، طبق آیه «لن يجعل الله للكافرين على المؤمنين سبيلاً؛ خداوند راهی برای تسلط کافران بر مومنان قرار نمی‌دهد» این کار مورد پسند پروردگار نیست؛ پس تکلیف چیست؟

۶. اگر مومنان فرزنددار نشوند و بهانه آنان، روایات گوشه‌گیری در آخرالزمان باشد، به‌مرور زمان با کاهش جمعیت مواجه خواهند شد و سرانجام جمعیت کافران، که به این روایات عمل نخواهد کرد، افزون خواهد شد. آیا این به اضمحلال و شکست مسلمانان در سطح جهانی نخواهد انجامید؟ اگر دلیل فرزندارنشدن تنها دشمن‌دین‌شدن فرزند باشد، کافران به این مسئله سزاوارترند! مگر نه اینکه فرزندان آنان به احتمال بسیار قوی، دشمن دین خواهند بود؟

باتوجه به آن‌چه گفته شد، در برخورد با این روایات ابتدا باید سند آن‌ها را بررسی کرد. پس از اطمینان به صحت سند آن‌ها باید دلالت آن‌ها را بررسی کرد و چنان‌چه با محکمت آیات و روایات منافات داشته، باید حمل بر احتیاط کرد؛ بدین معنا که مومنان باید در آخرالزمان در انجام دادن کارها احتیاط بیش‌تری به خرج دهند نه این که از جامعه فاصله بگیرند و نسبت به سرنوشت خود در جامعه بی‌توجه باشند.